

سیاست ترکیه در مناقشه قره‌باغ

سیامک کاکایی^۱

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۲

چکیده

روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان یک سال پس از جنگ دوم قره‌باغ ابعاد پیچیده‌ای از نظر نظامی، سیاسی و منطقه‌ای به خود گرفته است. در این مدت، برگزاری چند مرحله رزمایش مشترک نظامی میان ترکیه و جمهوری آذربایجان توجه محافل رسانه‌ای را به خود جلب کرده و موجب دغدغه امنیتی برخی کشورهای همسایه شده است. رویارویی نظامی پاییز ۲۰۲۰ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان منجر به آزادسازی شهرها و مناطقی از این کشور گردید که سه دهه در تصرف ارمنستان بودند. هرچند این جنگ به مناقشه اصلی قره‌باغ پایان نداد. اما ارمنستان کنترل مستقیم بر قره‌باغ کوهستانی را از دست داد. در مناقشه قره‌باغ، نقش ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان برای ورود به جنگ جدید با ارمنستان تعیین‌کننده بود. این سیاست آنکارا، توجه‌ها را به اهداف ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان جلب کرد. سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۱۶ به بعد و پس از مداخلات نظامی در سوریه، بعدی تهاجمی به خود گرفته است. به نظر می‌رسد که حمایت‌های ترکیه از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ و روند تحولات پس از آن تداوم همان سیاست نظامیگری آنکارا در محیط پیرامونی است. پژوهشگران مقاله بر این باور هستند که ترکیه با ورود غیرمستقیم به مناقشه قره‌باغ به دنبال گسترش «نفوذ» و افزایش «قدرت نسبی» خود در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است. در بررسی نظری جنبه‌های سیاست خارجی در گیرانه ترکیه در مناقشه قره‌باغ و پاسخ به پرسش پژوهش، از نظریه واقع‌گرایی و به‌ویژه واقع‌گرایی تهاجمی بهره گرفته شده است.

▪ واژگان کلیدی: قره‌باغ، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، قدرت نسبی، واقع‌گرایی تهاجمی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

^۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، kakaei45@yahoo.com

^۲. استاد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی

تهران شمال تهران، ایران، jdeghani20@yahoo.com

مقدمه

قره‌باغ^۱ که به نام‌هایی چون آرتساخ^۲ و یا جمهوری قره‌باغ کوهستانی^۳ موسوم است در جنوب غربی جمهوری آذربایجان، جنوب قفقاز و شرق ارمنستان واقع شده است (Bedelova, 2016:49 & 52).^۴ منطقه‌ای که در سه دهه پایپی محل مناقشه دو کشور همسایه یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان بوده است. پیشینه این مناقشه به یکصد سال قبل بازمی‌گردد؛ اما در اواخر دهه هشتاد میلادی هم‌زمان با استقلال جمهوری‌های شوروی، بار دیگر اختلاف بر سر حاکمیت بر قره‌باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان آغاز و به درگیری و جنگ طولانی‌مدت دو طرف انجامید.

آخرین جنگ دو کشور در اکتبر و نوامبر ۲۰۲۰ به وقوع پیوست که در نتیجه آن، جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه توانست بخش‌های قابل توجهی از مناطق اشغال شده و زیر کنترل ارمنستان را آزاد کند. پس از آن، با میانجیگری روسیه، توافق‌نامه آتش‌بس به امضای رهبران ارمنستان و جمهوری آذربایجان رسید. در بررسی ماهیت و عوامل تأثیرگذار بر این جنگ بیش از همه نگاه‌ها به نقش‌آفرینی ترکیه در پشتیبانی از جمهوری آذربایجان و دستاوردهای جنگ متمرکز بود. روشن است که حمایت همه‌جانبه سیاسی، تجهیزاتی، نظامی، اطلاعاتی و میدانی ترکیه از جمهوری آذربایجان در مقابل ارمنستان به برتری جمهوری آذربایجان انجامید. همکاری‌های نظامی ترکیه و جمهوری آذربایجان از ۲۰۱۹ افزایش چشمگیری یافت و این مسئله بی‌تأثیر بر تصمیم باکو در انجام عملیات نظامی و برتری این کشور بر ارمنستان نبوده است. اما چرا ترکیه پس از گذشت ۲۹ سال از مناقشه قره‌باغ، یک‌باره به حمایت همه‌جانبه از جمهوری آذربایجان برخاست؟

^۱. Karabakh

^۲. Artsakh

^۳. Nagorno-Karabakh Republic

^۴. قره‌باغ موسوم به ناگورنوقره‌باغ یا جمهوری خودخوانده آرتساخ منطقه‌ای عمدتاً کوهستانی و بخشی از خاک جمهوری آذربایجان است. قره‌باغ کوهستانی از نظر سابقه تاریخی، پس از امضای پیمان گلستان میان روسیه و ایران در ۱۸۱۳م. به روسیه منضم شد. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و شکل‌گیری جمهوری آذربایجان، قره‌باغ در مرزهای این کشور تعریف شد و رسماً در ۷ ژوئیه ۱۹۲۳ با نام «منطقه خودمختار قره‌باغ» زیر حاکمیت جمهوری آذربایجان قرار گرفت. هشت شهر آن شامل آغدام، فضولی، شوشا، جبرئیل، لاجین، کلبجر، زنگلان و قبادلی حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهند که نزدیک به سه دهه در کنترل نیروهای وابسته به ارمنستان بودند. پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، قره‌باغ کوهستانی در چارچوب مرزهای اداری جمهوری آذربایجان بود و پس از استقلال هم از سوی مجامع بین‌المللی به رسمیت شناخته شد. جمهوری آذربایجان می‌گوید درگیری قره‌باغ و اقدام جنبش‌های جدایی‌طلب مغایر با اصل تمامیت ارضی و قوانین بین‌المللی است. به علاوه، در چهار قطعنامه جداگانه شورای امنیت سازمان ملل متحد و در قطعنامه‌های نهادهای اروپایی، عبارت منطقه قره‌باغ جمهوری آذربایجان آمده و بر آن تأکید شده است.

باید گفت که موقعیت و ژئوپلیتیک مناطق پیرامونی ترکیه در سال‌های اخیر به واسطه نوع و نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دستخوش تغییراتی بنیادین شده است. مجموعه تحولات در سوریه و خاورمیانه عربی به همراه وضعیت پرنوسان عراق و همچنین چالش‌های ناشی از بحران لیبی موجب تغییر در نگرش سیاست خارجی ترکیه گردید. ترکیه به‌جای اتخاذ سیاستی واکنشی درصدد برآمد نقش کنشگری داشته باشد تا نفوذ و تأثیرگذاری خود را در مناطق پیرامونی و پرآشوب افزایش دهد؛ به‌خصوص که مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی جوی آنارشیک پدید آورد و ترکیه را به اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی تشویق کرد.

پرسش اصلی پژوهش این است که عوامل مؤثر بر حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ و اتخاذ شیوه‌ای از سیاست خارجی تهاجمی در قفقاز جنوبی چه بوده است؟ فرضیه اصلی در بررسی اهداف سیاست آنکارا در بحران قره‌باغ افزایش «قدرت نسبی»^۱ و تلاش برای تقویت و گسترش نفوذ در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی به‌عنوان «نفوذ منطقه‌ای»^۲ ترکیه است. بستر این نفوذ را باید در جغرافیای سیاسی، پیوندهای قومی و فرهنگی ترکیه در قفقاز و آسیای مرکزی و تلاش دیرینه ترکیه برای افزایش قدرت نسبی در برابر رقبای منطقه‌ای جست‌وجو کرد. قدرت نسبی موردنظر آنکارا شاخصه‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. ترکیه در چند دهه گذشته همواره به‌دنبال ایجاد اتحادیه‌ای از کشورهای ترک‌زبان بوده است. در ادبیات سیاسی پرکاربرد در جمهوری آذربایجان و ترکیه مفهوم «یک ملت - دو دولت»^۳ نهادینه شده است. تقویت هدفمند همکاری‌های نظامی ترکیه با جمهوری آذربایجان و پیوندهای دیرینه سیاسی، فرهنگی و قومی میان دو کشور به پیشبرد این ایده کمک کرده است. از طرف دیگر، آنکارا وضعیت پس از جنگ قره‌باغ را فرصتی بسیار مناسب و استثنایی برای احیای تفکر «کشورهای ترک‌زبان» قلمداد کرده که از دوره تورگوت اوزال^۴ تاکنون مطرح بوده است. ترکیه با افزایش حضور نظامی در جمهوری آذربایجان در چهارچوب آموزش کارکنان و کمک به صلح‌بانان در قره‌باغ و برگزاری منظم رزمایش‌های نظامی با این کشور راه را برای همکاری‌های چندجانبه نظامی در قالب اتحادیه نظامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باز می‌کند. دعوت ترکیه از پاکستان برای برگزاری رزمایش نظامی مشترک با جمهوری آذربایجان در نخجوان و دریای خزر در تابستان

^۱. Relative Power

^۲. Regional Influence

^۳. A Nation of Two States

^۴. Turgut Özal

۲۰۲۱ اقدامی در این راستا بود. حتی در ترکیه بحث‌هایی دربارهٔ ایجاد «ارتش توران»^۱ مطرح است که نشان از اهداف بلندمدت این کشور در حوزهٔ قفقاز و آسیای مرکزی دارد. اقدام آنکارا در ادامه و گسترش همکاری‌های نظامی با جمهوری آذربایجان به همراه فشارهای آن بر ارمنستان و حتی روسیه برای گشایش دالان ارتباطی بین نخجوان و خاک اصلی جمهوری آذربایجان، بخشی از استراتژی فعال ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت تعیین‌کننده در معادلات منطقه‌ای است. این فرضیه وجود دارد که هم‌جواری جمهوری آذربایجان با دریای خزر این امکان را برای ترکیه فراهم می‌آورد تا دسترسی خود را به فراسوی منطقهٔ اوراسیا و آسیای مرکزی افزایش دهد. از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، مجموعه تحرکات نظامی و سیاسی ترکیه در حوزهٔ قفقاز جنوبی می‌تواند بخشی از استراتژی فعال آنکارا برای افزایش قدرت نسبی و اعمال نفوذ بیشتر در این منطقه باشد.

مبانی نظری

روندهای سیاسی منطقه‌ای همواره تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی ترکیه در دوره‌های مختلف داشته‌اند. این تأثیرات می‌توانند تابعی از موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه باشند؛ بدان مفهوم که جغرافیای سیاسی ترکیه از این کشور، موقعیتی جهانی ساخته است؛ به‌همین دلیل، هرگونه تمرکز سیاست نظام بین‌الملل بر مناطق پیرامونی ترکیه موجب فعال شدن و تحرک سیاست خارجی این کشور شده است. پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دههٔ نود میلادی، ترکیه را از جلد سیاست محافظه‌کارانهٔ دوری از منازعات منطقه‌ای خارج کرد. در آن زمان و به‌ویژه پس از تهاجم عراق به کویت در اوت ۱۹۹۱، تورگوت اوزال رئیس‌جمهوری فقید ترکیه، معرف سیاست نقش فعال منطقه‌ای شد و از فرصت‌طلبی آنکارا از تحولات پدیدآمده برای نقش فعال و نفوذ منطقه‌ای سخن گفت (Turan, 2012: 73).

در جریان تحولات عربی موسوم به بهار عربی و ناآرامی‌ها در سوریه، سیاست منطقه‌ای ترکیه دستخوش تغییر شد و آن هنگامی بود که «سیاست تنش صفر»^۲ با همسایگان به محاق رفت. بحران در سوریه و مواضع خصمانهٔ آنکارا دربارهٔ این تحولات اولین نشانه‌های سیاست تخاصم‌جویانهٔ ترکیه را به نمایش گذاشت. احمد داووداوغلو^۳ که معرف این ایده بود ناگزیر از ارائهٔ تعریفی جدید از این مفهوم شد و اظهار داشت که سیاست تنش صفر با

^۱. Turan Army

^۲. Zero-Problems Policy

^۳. Ahmet Davutoğlu

همسایگان که تا سال ۲۰۱۰ توسط دولت پیگیری می‌شد، به «سیاست مشکلات صفر با مردمی که در کشورهای همسایه زندگی می‌کنند» تغییر می‌کند. (Yilmaz and Özdemir, 2017: 17). چرا رویکرد سیاست خارجی ترکیه سمت‌وسوی تهاجمی به خود گرفت؟ پس از کودتای ژوئن ۲۰۱۶ علیه رجب طیب اردوغان^۱ رئیس‌جمهوری ترکیه، فضای داخلی در این کشور امنیتی شد؛ اما آنچه بر نقش منطقه‌ای آنکارا تأثیر گذاشت، تحولات در ژئوپلیتیک پیرامونی ترکیه بود. بحران سوریه و تهدیدهای امنیتی ناشی از مطرح‌شدن مسئله کردی و ترس از قوت‌گرفتن خواست تجزیه‌طلبی در عراق، سیاست‌گذاران آنکارا را به‌شدت نگران کرد. همچنین نقش آمریکا و اروپا و منافع متعارض آن‌ها با روسیه در سوریه از یک سو و افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌همراه سیاست تقابلی عربستان، امارات متحده، مصر و یونان با ترکیه در مدیترانه شرقی از سوی دیگر موجب شد که آنکارا با معمای امنیتی^۲ جدیدی روبه‌رو شود. بر این اساس، ترکیه از اوضاع آنارشیک حاکم بر محیط پیرامونی در راستای افزایش قدرت نسبی خود بهره گرفته است. در این وضعیت، اگرچه ماهیت ایفای نقش ترکیه در ورود به مناقشه قره‌باغ متفاوت از معمای امنیتی این کشور در بحران‌های عنوان‌شده است؛ اما این بار در مسیر بازتعریفی از نقش و نفوذ منطقه‌ای برآمده که در چهارچوب دیپلماسی عمل‌گرایانه مبتنی بر نظریه‌های واقع‌گرایی^۳ بررسی می‌شود.

واقع‌گرایان، سیاست جهانی را صحنه اقدام و عمل دولت‌ها می‌دانند که «قدرت»^۴ ماهیت رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد؛ یعنی هر دولتی در محیط پیرامونی و بیرونی به‌دنبال افزایش قدرت و نفوذ خود است. واقع‌گرایی را می‌توان با توجه به شیوه تبیین رفتار دولت‌ها، نحوه تعامل و تأثیرگذاری آن‌ها در سیاست جهانی، نظریه‌ای نسبتاً پایدار دانست. اگرچه برداشت و تعریف واقع‌گرایان از چگونگی تلاش دولت‌ها برای حفظ بقا و تأثیرگذاری‌شان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی یکسان نیست؛ اما وجه مشترک تفکر واقع‌گرایی، قدرت است. در حالی که واقع‌گرایان کلاسیک، قدرت را هدفی ذاتی می‌دانند، واقع‌گرایان ساختاری، قدرت را ابزاری برای رسیدن به هدف یعنی حفظ بقا می‌دانند (Mearsheimer, 2006: 72). واقع‌گرایی و زیرشاخه‌های آن، ملاک عمل و رفتار سیاسی بسیاری از کشورهای جهان بوده است. عملکرد سال‌های اخیر ترکیه در منطقه بیانگر آن است که آنکارا پس از تحولات خاورمیانه عربی و بروز بحران در سوریه از الگوی واقع‌گرایی در سیاست خارجی پیروی کرده

^۱. Recep Tayyip Erdoğan

^۲. Security Dilemma

^۳. Realism

^۴. Power

است. کاربست این رفتار ترکیه در قالب کدام‌یک از نظریه‌های واقع‌گرایی تدافعی^۱ یا واقع‌گرایی تهاجمی^۲ قابل بررسی و تحلیل است؟

سیاست خارجی واقع‌گرای تهاجمی بر این نظر است که ماهیت سیاست بین‌الملل بر اساس وجود درگیری تعریف می‌شود و وجود درگیری، عنصری ضروری برای هدایت سیاست بین‌الملل است. در سیاست خارجی تهاجمی، دولت‌ها خواهان افزایش امنیت خود و کاهش عامدانه امنیت سایر دولت‌ها هستند. در مقابل، در سیاست خارجی تدافعی، دولت‌ها خواهان دستیابی به امنیت به‌بهای کاهش امنیت دیگران نیستند (بزرگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶). کلیدواژه واقع‌گرایی تهاجمی، ارتقای قدرت و امنیت است. جان مرشایمر^۳ از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تهاجمی کوشیده است تا به این پرسش پاسخ دهد که چرا روابط دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ آن هم در سیستم دولت مدرن^۴ مملو از درگیری و تضاد است. به اعتقاد مرشایمر دولت‌ها به‌زودی متوجه می‌شوند که مؤثرترین راه برای تضمین بقا در وضعیت هرج‌ومرج، به‌حداکثر رساندن قدرت نسبی‌شان با هدف نهایی تبدیل شدن به قوی‌ترین قدرت، یعنی یک هژمون^۵ است. با این حال، همه کشورهای نمی‌توانند هم‌زمان قدرت نسبی خود را به‌حداکثر برسانند؛ اما اگر وضعیت آنارشیک باقی بماند، دولت‌ها همچنان در عرصه رقابت امنیتی بی‌امان می‌مانند (Toft, 2005: 383).

نظریه واقع‌گرایی تهاجمی معطوف به بررسی سیاست قدرت‌های بزرگ است. به اعتقاد جان مرشایمر، نظام بین‌الملل از دولت‌هایی تشکیل شده است که در جوی آنارشیک به سر می‌برند. نه سازمان ملل متحد و نه هیچ سازمان بین‌المللی دیگری توانایی اعمال فشار بر قدرت‌های بزرگ را ندارد (مرشایمر، ۱۳۹۳: ۳۸۳). مرشایمر با عاریت‌گرفتن دیدگاه‌های کنت والتز^۶ درباره نقش و جایگاه دولت‌ها در سیستم آنارشیک تأکید دارد که دولت‌ها ضمن آنکه بازیگران اصلی عرصه سیاست جهانی هستند، بازیگرانی عقلایی محسوب می‌شوند که می‌توانند استراتژی‌های مؤثری را در به‌حداکثر رساندن قدرت و بقایشان به‌خوبی طراحی کنند.

بر این اساس، مرشایمر نوعی معمای امنیتی ترسیم کرده که کلید آن تنها در اختیار دولت‌ها و یا چگونگی تلاششان برای پیشینه‌کردن قدرت است. وی در کتاب *تراژدی*

^۱. Defensive Realism

^۲. Offensive Realism

^۳. John Mearsheimer

^۴. The Modern State System

^۵. Hegemon

^۶. Kenneth Waltz

قدرت‌های بزرگ^۱ ابعاد مختلف تقلا و تقابل دولت‌ها و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ را برای قدرتمند کردن خود بیان کرده است. به‌اعتقاد وی، نیت دولت‌ها به‌سرعت تغییر می‌کنند. ممکن است دولتی امروز خیرخواهانه و روز دیگر خصمانه رفتار کند. فقدان اطمینان از نیت دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. دولت‌ها در پی حفظ تمامیت ارضی و استقلال نظم سیاسی داخلی‌شان هستند. بقا در رأس اهداف و انگیزه‌های دیگر قرار دارد (همان: ۳۵). فرید زکریا^۲ همچون مرشایمر بیشینه‌سازی قدرت از سوی دولت‌ها را یک اصل فرض می‌کند و تأکید دارد که تجربه تاریخی نشان می‌دهد دولت‌ها در وضعیتی که به‌شکل فزاینده تروتمند می‌شوند به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند و خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

گاهی مرز بین نگاه واقع‌گرایان تدافعی و تهاجمی به مقوله امنیت بسیار نزدیک است. آرنولد ولفرز^۳ از اولین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی دفاعی، مفهوم امنیت ملی را نمادی مبهم می‌داند؛ زیرا افراد مختلف می‌توانند برداشتهای بسیار متفاوتی از آن ارائه دهند. به‌علاوه، اگر دولتی آرمان‌های امنیتی بالایی داشته باشد مظنون می‌شود که اهداف تهاجمی تری را پنهان کرده است (Tang, 2010: 176). نگاه و برداشتهای متفاوت دولت‌ها به امنیت بر تصمیم‌سازی آنان در اتخاذ روش‌های سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. اما باید عنوان کرد که معیارهای متفاوتی برای سنجش سیاست خارجی واقع‌گرای تهاجمی و تدافعی وجود دارد؛ همانند عملکرد ایدئولوژیک دولت‌ها، نوع سیاست اقتصادی، چگونگی مشارکت در ائتلاف‌ها و یا شیوه تنظیم روابط با همسایگان (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

تطبيق این مفاهیم با نگرش سیاست خارجی ترکیه بر اساس معمای امنیتی در مناطق پیرامونی این نتیجه را به دست می‌دهد که اقدامات نظامی ترکیه در کشورهای همسایه تنها به‌منظور رفع تهدیدهای امنیت ملی از منظر تدافعی نیست؛ زیرا تثبیت وضعیتی درگیرانه برای افزایش قدرت منطقه‌ای و بهره‌گیری از منابع، فرصت‌ها و ایفای نقش در تعاملات منطقه‌ای نظیر آنچه در مناقشه قره‌باغ رخ داد مورد توجه ترکیه بوده است. البته درجه توانمندی و تأثیرگذاری آنکارا در قفقاز جنوبی به میزان توانایی‌های ملی ترکیه بستگی دارد؛ چراکه دولت‌ها در وضعیتی می‌توانند به نتایج مطلوب و مورد نظرشان در نظام بین‌الملل برسند که توانایی‌های ملی آنان تعریف و تبیین شده باشند، به‌طوری که هر چه قابلیت و توانایی‌های یک کشور بیشتر باشد

¹. The Tragedy of Great Power Politics

². Fareed Zakaria

³. Arnold Wolfers

جایگاه بالاتری در ساختار قدرت نظام بین‌الملل خواهد داشت (دهقانی فیروزآبادی: ۱۳۹۲). از منظر نمایش توان ملی در محیط بیرونی این پرسش مطرح است که دولت‌ها چگونه می‌توانند بر رفتار بازیگران رقیب تأثیرگذار باشند؟ مرشایمر در این باره دو استراتژی کلی ترسیم می‌کند: اول، شامل تلاش‌های مستقیم برای به‌دست‌آوردن قدرت نسبی است؛ دوم، روشی غیرمستقیم که هدف آن جلوگیری از رسیدن متخاصمان به اهدافشان است. در این مشی، جنگ ابزار اصلی دستیابی به قدرت است حتی اگر پرهزینه باشد (Toft, 2005: 384).

هرچند مرشایمر در بیان شاخص‌های نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، تصویری خلق می‌کند که گویی تنها چهره قدرت‌های بزرگ در آن نمایان است؛ اما در بررسی جامع‌تر از دیدگاه‌های وی مشخص می‌شود که متغیر مستقل در بینش او سهم دولت‌ها از قدرت است؛ بنابراین، مفاهیم و درون‌مایه این نظریه را نمی‌توان تنها در حصار شناخت رفتار قدرت‌ها بازشناسایی کرد، بلکه با عاریت‌گرفتن از مفروض‌های نظریه او می‌توان رفتار سیاسی بازیگران مهم منطقه‌ای را هم تحلیل کرد. بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی مرشایمر ممکن است اوضاع محیطی، دولت‌ها را به درپیش‌گرفتن سیاست نظامیگری سوق دهد. چنین رویه‌ای در تطبیق سیاست منطقه‌ای ترکیه به‌خصوص پس از سال ۲۰۱۶ از جمله در سوریه، عراق و در جریان مناقشه قره‌باغ قابل بررسی است. در ژوئن ۲۰۱۹، مرشایمر در دانشگاه جرج تاون طی یک سخنرانی بیان داشت: درگیری‌های ترکیه در عراق و سوریه، نشانه‌ی علاقه آنکارا به امور نظامیگری و درگیری بیشتر در امور خاورمیانه است. مرشایمر اعتقاد دارد رفتار تهاجمی ترکیه ممکن است این کشور را به سمت سلاح اتمی هم بکشد. ترکیه امروزه بر مسائل امنیتی تمرکز کرده است و نزدیکی این کشور به ایران و روسیه موجب دوری بیشتر از ناتو و غرب خواهد شد (Mearsheimer, 2019).

نگاهی به روابط راهبردی ترکیه و جمهوری آذربایجان

ترکیه و جمهوری آذربایجان روابط عمیق و درهم‌تنیده‌ای دارند. پس از استقلال جمهوری آذربایجان عبارت «یک ملت، دو کشور» در ادبیات سیاسی دو کشور رایج شده است. جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه در قبال جمهوری آذربایجان در یک دهه گذشته به‌تدریج، ابعاد نظامی و امنیتی گسترده‌ای به خود گرفت و این همکاری‌ها از سال ۲۰۱۰ به بعد با عنوان «روابط ویژه»^۱ شهرت یافت. در سال ۲۰۱۰ توافق‌نامه‌ای در مورد مشارکت

^۱. Special Relationship

استراتژیک و پشتیبانی متقابل میان ترکیه و جمهوری آذربایجان امضا شد. طبق این توافق‌نامه هر دو کشور متعهد شدند که در وضعیت تجاوز نظامی به آن‌ها از همه امکانات برای حمایت از یکدیگر استفاده کنند. پس از آن و از ۲۰۱۲، تمرینات نظامی سه‌جانبه مشترک میان ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان سالانه زیر عنوان «عقاب قفقاز» برگزار می‌شود (Frahm et.al., 2018: 19).

جمهوری آذربایجان برای ترکیه اهمیتی استراتژیک دارد. حتی زمانی که آنکارا در ۲۰۱۰ در چهارچوب «تنش صفر» با همسایگان تصمیم به عادی‌سازی روابط با ارمنستان گرفت، حمایت از یکپارچگی جمهوری آذربایجان را اولویت مهم این عادی‌سازی اعلام کرد. در جریان دیدار عبدالله گل^۱ رئیس‌جمهوری ترکیه از جمهوری آذربایجان در ۱۶ اوت ۲۰۱۰، پیمان مشارکت استراتژیک و همکاری متقابل میان دو کشور امضا شد و در ۱۵ سپتامبر همان سال، توافق‌نامه ایجاد شورای عالی همکاری استراتژیک به امضای رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه و الهام علی‌اف^۲ رئیس‌جمهوری آذربایجان رسید (Aslanli, 2018: 22).

ترکیه به موازات مداخله اواخر سال ۲۰۱۹ در شمال شرقی سوریه و افزایش تحرکات نظامی در شمال عراق برای مقابله با پ.ک.ک، برنامه اعزام نیرو و استقرار پایگاه‌های نظامی را در کشورهای دیگری چون قطر، لیبی و برخی کشورهای آفریقایی در پیش گرفت. تأثیر این سیاست بر روابط ترکیه با جمهوری آذربایجان از آن‌رو درخور تأمل است که آنکارا اشتیاق و اطمینان بیشتری به توسعه همکاری نظامی با باکو پیدا کرد. پس از برگزاری هشتمین نشست شورای عالی همکاری استراتژیک ترکیه و جمهوری آذربایجان در ۲۵ فوریه ۲۰۲۰، رزمایش مشترک نیروهای زمینی در اوت ۲۰۲۰ در باکو و نخجوان^۳ برگزار شد. تمرینات نیروی هوایی نیز از ۲۹ ژوئیه تا ۱۰ اوت در باکو، گنجه، کردامیر^۴ و نخجوان انجام شد و نیروی هوایی ترکیه اولین دسته‌های بالگردهای نظامی را به نخجوان بردند (Gafarli, 2020: 14).

هم‌زمان با افزایش همکاری‌های نظامی ترکیه و جمهوری آذربایجان، تنش و درگیری‌ها میان این کشور و ارمنستان بالا گرفت و این بار مقام‌های آنکارا، صریح و هدفمند از جمهوری آذربایجان حمایت کردند. در ژوئیه ۲۰۲۰ آتش‌جنگی دیگر میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر مسئله دیرینه قره‌باغ شعله‌ور شد. در ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۰، مولود

^۱. Abdullah Gül

^۲. Ilham Aliyev

^۳. Nakhchivan

^۴. Kord Amir

چاووش اوغلو^۱، وزیر امور خارجه ترکیه ضمن اعلام حمایت قاطع آنکارا از جمهوری آذربایجان اظهار داشت: «هر راه‌حلی که باکو برای سرزمین‌های اشغالی و قره‌باغ ترجیح می‌دهد، ترکیه در کنار آذربایجان خواهد بود.» هولوسی آکار^۲، وزیر دفاع ترکیه هم تأکید کرد که ارمنستان هزینه اقدامات تهاجمی خود علیه جمهوری آذربایجان را خواهد پرداخت. پس از آن، رجب طیب اردوغان در نشست شورای امنیت ملی ترکیه حمایت کامل آنکارا را از جمهوری آذربایجان در برابر ارمنستان اعلام کرد (Ibid: 13). چنین حمایت‌های گسترده‌ای موجب دلگرمی و جدیت جمهوری آذربایجان در مواجهه با ارمنستان گردید و الهام علی‌اف در واکنش به پشتیبانی‌های ترکیه اظهار داشت: «من از برادرم رجب طیب اردوغان تشکر می‌کنم. وی بار دیگر ثابت کرد که ترکیه همیشه حامی [جمهوری] آذربایجان بوده است. این جلوه‌ای از برادری و اتحاد ترکیه و [جمهوری] آذربایجان است.» (Sabah, 2020)

ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ ۲۰۲۰ با ارمنستان، جنگ‌افزارهای مختلفی در اختیار باکو قرار داد. همچنین با اجرای برنامه بازسازی تسلیحاتی و آموزش نظامی، در سازمان‌دهی ارتش جمهوری آذربایجان نقش مهمی داشته است. بنا بر گزارش منابع رسانه‌ای ترکیه، این کشور پهپادهای TB2 و تجهیزات جنگ الکترونیکی در اختیار جمهوری آذربایجان قرار داد. وزارت دفاع جمهوری آذربایجان در جریان درگیری اعلام کرد پهپادهای ترکیه با بمب‌های هوشمند^۳ MAM-C و MAM-L مواضع ارمنستان را بمباران کردند. ارتش جمهوری آذربایجان راکت‌اندازها و موشک‌های هوشمند، شبیه کاتیوشا، ۱۲۲ میلی‌متری و ۳۰۰ میلی‌متری ساخت ترکیه را به کار گرفت. باکو در ژوئیه ۲۰۲۰، ۳۸۳ هزار دلار تجهیزات دفاعی و هوایی جدید از آنکارا خریداری کرد. همچنین ترکیه ۲۰۰ میلیون لیر ترک کمک تسلیحاتی به آذربایجان تحویل داد و در فاصله ژانویه تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ قراردادهایی در بخش صنایع نظامی به مبلغ ۱۲۳ میلیون دلار امضا کردند (TRT Habber, 2020).

منطقه قره‌باغ و هشت شهر آن شامل آغدام^۴، فضولی^۵، شوشا^۶، جبرئیل^۷، لاجین^۸، کلبجر^۹، زنگلان^{۱۰} و قبادلی^{۱۱} حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان را تشکیل

¹. Mevlüt Çavuşoğlu

². Hulusi Akar

³. MAM (Mini Akıllı Mühimmat, Smart Micro Munition)

⁴. Ağdam

⁵. Fuzuli

⁶. Şuşa

⁷. Jeybrail

⁸. Lachin

⁹. Kelbajar

¹⁰. Zangelan

¹¹. Kubatli

می‌دهند که نزدیک به سه دهه در کنترل نیروهای وابسته به ارمنستان بودند. در جنگ اول قره‌باغ، هنگامی که پیشروی‌های ارمنستان ادامه داشت، ترکیه نیروهای خود را در مرز با ارمنستان به حالت آماده‌باش درآورد. حتی سلیمان دمیرل^۱، نخست‌وزیر وقت ترکیه به اروپا و آمریکا هشدار داد که حمایت از ارمنستان به جنگ منطقه‌ای منجر خواهد شد و تأکید کرد که همه باید بدانند این امر باعث نگرانی ترکیه و سایر جمهوری‌های ترک خواهد شد (بیات، ۱۳۹۰: ۳۴۱). افکار عمومی ترکیه در خلال سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ دولت آنکارا را برای مداخله نظامی به نفع آذربایجان زیر فشار گذاشت و در جمهوری آذربایجان هم همین انتظار وجود داشت (لانگو، ۱۳۸۳: ۳۴۰).

در جنگ اول قره‌باغ و هنگامی که ارمنستان تهدید به حمله به نخجوان کرد با هشدار مستقیم آنکارا مواجه شد. تورگوت اوزال، رئیس‌جمهوری ترکیه اعلام کرد: باید بی‌درنگ به نخجوان نیرو اعزام کنیم تا وقایع قره‌باغ در آنجا تکرار نشود. این موضع ترکیه با واکنش تند روسیه مواجه شد و وزیر دفاع آن هشدار داد: «هرگونه دخالت خارجی در مناقشه قره‌باغ می‌تواند به جنگ وسیعی منجر شود.» (بیات، ۱۳۹۰: ۳۴۸) در ۱۹۹۳ با ادامه جنگ قره‌باغ و اشغال مناطقی از جمهوری آذربایجان توسط نیروهای وابسته به ارمنستان، احتمال مداخله نظامی در نخجوان بالا گرفت؛ به همین دلیل، تانسو چیلر^۲، نخست‌وزیر ترکیه آشکارا به ارمنستان هشدار داد که به منطقه خودمختار نخجوان در مرز ترکیه حمله نکند (لانگو، ۱۳۸۳: ۳۴۰). کل مرز زمینی ترکیه با جمهوری آذربایجان و از طریق نخجوان دوازده کیلومتر است؛ اما آنکارا از زمان معاهده موسوم به قارص^۳ نگاه ویژه‌ای به نخجوان داشته است.

^۱. Suleyman Demirel

^۲. Tansu Çiller

^۳. هنگامی که یونان در ژوئن ۱۹۲۰ با ترکیه وارد جنگ شد، ارمنی‌ها هم از این فرصت استفاده کردند و به نواحی هم‌مرز با ترکیه در اطراف قارص حمله کردند؛ اما در نتیجه مقابله ارتش ترکیه و موفقیت‌های به‌دست‌آمده، ارامنه خواستار صلح شدند. در این زمان، کنترل منطقه نخجوان هم در برنامه‌های ارمنستان بود؛ در نتیجه توافقی میان ترکیه و روسیه بلشویکی موسوم به معاهده مسکو در ۱۶ مارس ۱۹۲۱ امضا شد. ماده سوم این معاهده درباره وضعیت نخجوان بود و طبق آن طرفین در مورد ایجاد منطقه خودمختار نخجوان در شمال شرقی رودخانه آرس زیر حمایت جمهوری آذربایجان توافق کردند، مشروط بر آنکه حق حفاظت از نخجوان در چارچوب مرز تعیین‌شده به کشور سوم واگذار نشود. پس از آنکه دولت آنکارا در مارس ۱۹۲۱ پیمان مسکو را با روس‌ها امضا کرد، روس‌ها خواستار امضای پیمانی واحد میان ترکیه با جمهوری‌های ارمنستان، آذربایجان و گرجستان شدند. ترکیه هم مایل بود که معاهده مسکو به تأیید طرف‌های مناقشه به‌ویژه ارمنستان برسد؛ در نتیجه در ۱۳ سپتامبر ۱۹۲۱ نشست با حضور کارگزاران مجلس شورای ملی بزرگ ترکیه و نمایندگانی از جمهوری‌های آذربایجان، گرجستان، ارمنستان و دولت روسیه شوروی در قارص برگزار شد و عهدنامه ۲۰ ماده‌ای موسوم به پیمان قارص میان آن‌ها به امضا رسید. در ماده ۵ این عهدنامه مقرر شد که طرفین معاهد، منطقه خودمختار نخجوان را زیر حاکمیت جمهوری آذربایجان به رسمیت بشناسند. (ÇETİNTAŞ, 2017, P 82)

اهداف ترکیه از پشتیبانی از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ

قفقاز جنوبی دربرگیرنده سه کشور گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، نقش مهمی در سیاست منطقه‌ای ترکیه دارد و آنکارا همواره کوشیده است از یک سو نفوذ سیاسی و قوم‌گرایانه خود را در این منطقه به‌شکلی هدفمند استمرار بخشد و از سوی دیگر به‌دنبال مشارکت در حل مناقشه قره‌باغ در چهارچوب منافع جمهوری آذربایجان باشد. ترکیه در دیگر تحولات قفقاز جنوبی نیز درصدد ارائه نقشه راهی برای حل بحران‌های اوستیای جنوبی^۱، آبخازستان^۲ و آجاریا^۳ برآمده است. در این راستا ترکیه طرحی موسوم به ۲+۳ شامل روسیه و ترکیه به‌همراه سه کشور گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان ارائه داد. در کنار آن، آنکارا به‌علت نداشتن دسترسی مستقیم به جمهوری آذربایجان، خود را نیازمند مسیری می‌دید که مستقل از کشورهای رقیب، یعنی ایران و روسیه، تأمین گردد. این امر سبب گردید تا ترکیه در روابط خود با گرجستان فعال‌تر عمل کند (عطایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۲). ترکیه علاوه بر داشتن ۶۱۰ کیلومتر مرز خاکی با کشورهای قفقاز جنوبی، در دریای سیاه هم با گرجستان مرز آبی مشترک دارد. در دیدگاه ترکیه، جمهوری آذربایجان کلید دروازه قفقاز و گرجستان راه مناسب رسیدن به آن است. عبور از کوه‌های قفقاز و بازکردن راهی مطمئن برای دسترسی به آسیای مرکزی، اولویت سیاست ترکیه در این منطقه بوده است. هرچند در دوره حاکمیت عدالت و توسعه، استراتژی «از آدیاتیک تا دیوار چین» کم‌رنگ شد؛ اما از اهمیت قفقاز کاسته نشد (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

سیاست حمایت‌گرانه ترکیه از آذربایجان و اتخاذ مواضع خصمانه علیه ارمنستان با اهداف چندگانه‌ای دنبال شده است.

آذربایجان، قدرت نوظهور اقتصادی قفقاز

جمهوری آذربایجان شریک راهبردی و یکی از تأمین‌کنندگان مهم انرژی ترکیه است. این کشور ۸۰ درصد نفت خود را از طریق ترکیه صادر می‌کند. سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در بخش انرژی جمهوری آذربایجان بیش از ۶ میلیارد دلار است. خط لوله انتقال نفت باکو-تفلیس-جیهان^۴، خط لوله گاز طبیعی باکو-تفلیس-ارزروم^۵، طرح راه‌آهن باکو-تفلیس-قارص^۶ و خط لوله ترانس آناتولی^۷ طرح‌های عملیاتی بین دو کشور هستند (YESEVIT, 2015: 39).

1. South Ossetia

2. Abkhazia

3. Adjara

4. Baku- Tbilisi- Ceyhan Pipeline

5. Baku- Tbilisi- Erzurum Pipeline (BTE Pipeline)

6. The Railway Baku- Tbilisi- Kars

7. Trans- Anatolian Gas Pipeline (TANAP)

حجم مبادلات تجاری ترکیه و جمهوری آذربایجان در ۲۰۱۹ به بیش از ۴ میلیارد دلار رسید. در این مدت، سهم صادرات ترکیه به جمهوری آذربایجان ۱.۶ میلیارد دلار و واردات از این کشور ۲.۵۵ میلیارد دلار بود. جدول تراز سرمایه‌گذاری‌های متقابل دو کشور نشان می‌دهد که سرمایه‌های جمهوری آذربایجان در ترکیه دو برابر است. این کشور در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا پایان ۲۰۱۹ رقم ۱۹.۵ میلیارد دلار در ترکیه سرمایه‌گذاری کرد (Evisa, 2020). در همین مدت، حجم سرمایه‌گذاری ترکیه در جمهوری آذربایجان ۱۱ میلیارد دلار بود. در جریان هشتمین نشست شورای عالی همکاری راهبردی ترکیه-جمهوری آذربایجان که با حضور رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه برگزار شد، قراردادهای اقتصادی جدید و از جمله توافق دستیابی به حجم مبادلات تجاری ۱۵ میلیارد دلاری، به امضا رسید. (خبرگزاری آنا، ۲۰۲۰) در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ حجم تجارت دو کشور رشدی ۲۰۰ درصدی داشت و در ۲۰۱۴ به ۵.۱ میلیارد دلار رسید که رقم درخشان توجیهی بود. جمهوری آذربایجان از سرمایه‌گذاران مهم در ترکیه محسوب می‌گردد، چنان‌که شرکت تورکاس پترول^۱ در ۲۰۰۸ با خرید ۵۱ درصد سهام شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان، سوکار^۲، وارد بازار ترکیه شد. در ۲۰۱۱ نیز اقدام به سرمایه‌گذاری مشترکی به ارزش ۲.۶ میلیارد دلار کرد. اکنون بیش از ۲۶۰۰ شرکت ترکیه‌ای در جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند (Çeviköz, 2016: 10). جمهوری آذربایجان منبع مهم انرژی است و راهبرد ترکیه، تبدیل شدن به دروازه انتقال انرژی به بازارهای مصرف است. منبع انرژی و ظهور اقتصادی جمهوری آذربایجان، ابزار مؤثری در پیشینه‌سازی قدرت راهبردی ترکیه در تنوع دستیابی به انرژی و توانی برای تأثیرگذاری در قفقاز جنوبی است.

هویت‌طلبی، قدرت نهفته

پیوندهای قومی، فرهنگی و تاریخی، نمایی مشترک را از ترکیه و جمهوری آذربایجان شکل داده‌اند. همین مسئله سبب شد حیدر علی‌اف^۳ برای تعریف روابط با ترکیه عبارت مشهور یک ملت، دو کشور را به کار برد. این عبارت در میان محافل سیاسی و رسانه‌ای دو کشور کاربرد زیادی پیدا کرده است (Makili-Aliyev, 2013: 4).

در حالی که ترکیه، جمهوری آذربایجان را شریک تجاری و انرژی و حلقه پیوند خود با منابع غنی خزر و آسیای مرکزی می‌داند، باکو به ترکیه به‌عنوان حامی بزرگ، متحد اصلی و

^۱. Turcas Petrol

^۲. Socar

^۳. Heydar Aliyev

پیونددهنده جمهوری آذربایجان با جهان یورو-آتلانتیک نگاه می‌کند. این روابط در سطح افکار عمومی هم قوی است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که بیش از ۷۰ درصد مردم ترکیه، جمهوری آذربایجان را بهترین دوست کشور خود می‌دانند (Hoobler, 2020: 146).

در هسته مرکزی روابط راهبردی ترکیه با جمهوری آذربایجان، عنصر پیوندهای قومی و زبانی قرار دارد که فهم مشترکی در قالب مفهوم‌سازی «یک ملت» پدید آورده است. مفهومی که توان «تهاجمی نرمی» به ترکیه اعطا کرده است. آنکارا از این طریق اهداف مهمی را پیگیری می‌کند: تمرکز بر هویت قومی ترک-آذری به‌منظور کاهش و جلوگیری از نفوذ مذهبی ایران در میان جامعه شیعه جمهوری آذربایجان؛ ایجاد خط ژئوپلیتیک و جغرافیای زبانی-قومی برای ترک‌تباران قفقاز و آسیای مرکزی؛ تلاش برای شکستن خط نفوذ روسیه و ایران در آسیای مرکزی و قفقاز با استفاده از ظرفیت‌های پیوند فرهنگی و همانندی‌های زبانی. در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ دقیقاً یک ماه پس از امضای توافق‌نامه صلح میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مراسم «جشن و رژه پیروزی» در میدان آزادی باکو برگزار شد. مهمان ویژه آن رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه بود که در قامت رهبری پیروز در این مراسم حاضر شد و سخنرانی پرحرارت و احساسی هم ایراد کرد. وی اهمیت پیروزی آذربایجان را برای ترکیه مهم قلمداد کرد و پیروزی به‌دست‌آمده را به ترک‌های آذری تبریک گفت (Cumhuriyet, 2020).

سخنان و شعرخوانی اردوغان در مراسم جشن پیروزی، جنجالی رسانه‌ای در روابط ایران و ترکیه ایجاد کرد.^۱ در ایران و در میان رسانه‌های جمعی و برخی سیاستمداران، انتخاب شعر «آراز» از سوی اردوغان هدف‌دار و اقدامی قوم‌گرایانه تلقی شد.

پیوندهای زبانی نقش مهمی در روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان دارند؛ اما سیاست محوری ترکیه فراتر از آن بر بسط ایده قوم‌گرایی در حوزه قفقاز و آسیای مرکزی استوار بوده است. پس از شعرخوانی اردوغان این پرسش در محافل مطرح شد که آیا ترکیه عنصر تحریک هویت^۲ در مناطق هم‌جوار را که در آن گروه‌های قومی مانند آذری، ترکمن و ترک

^۱. شعر قدیمی آراز، سروده‌ای مردمی در حسرت جدایی مردمان دو سوی رود ارس است که گفته می‌شود به دوران جنگ روس‌ها با ایران و جدایی هفده شهر از ایران بازمی‌گردد و در نواهای عاشیق‌ها بازخوانی می‌شده است:

ارس را جدا کردند
با سنگ و شن سیر کردند (پر کردند)
من از تو جدا نمی‌شدم
با زور جدا کردند
ای لاجین جان لاجین
من قربانت شوم لاجین

^۲. Nationalist Movement Party

زندگی می‌کنند، مدنظر قرار داده است؟ به‌بیان دیگر آیا ترکیه خواهد کوشید از این مزیت در راستای افزایش قدرت و نفوذ خود در مناطق پیرامونی بهره ببرد؟ یکی از دلایل تمرکز دوباره ترکیه بر مسئله قومیت‌گرایی در قفقاز و آسیای مرکزی ناشی از اوضاع جدید ژئوپلیتیک منطقه و تقویت ملی‌گرایی در ساخت قدرت سیاسی ترکیه است. رجب طیب اردوغان پس از کودتای نافرجام نظامیان علیه وی در ۲۰۱۶ رویکرد نزدیکی به جناح ملی‌گرای دولت باغچلی^۱ را اتخاذ کرد. پس از آن، حزب حرکت ملی^۲ به مهم‌ترین شریک سیاسی عدالت و توسعه تبدیل شد و این حزب و شخص دولت باغچلی جایگاه مهمی در تصمیم‌سازی سیاست داخلی و خارجی ترکیه ایفا کرد. این جریان سیاسی یکی از مشوق‌های اصلی اردوغان در حمایت همه‌جانبه از جمهوری آذربایجان و مشارکت در جنگ قره‌باغ بود. دولت باغچلی پس از آنکه نیروهای جمهوری آذربایجان شهر شوشا را از کنترل ارمنی‌ها خارج کردند به‌صراحت از ضرورت تلاش برای تقویت بنیه‌های وحدت‌گرایی قومی دو کشور سخن گفت و تأکید کرد، اگر رجب طیب اردوغان و الهام علی‌اف اجازه دهند سازمان اولکو اوجاکلاری^۳ مراکز آموزشی و از جمله دبستان ده‌کلاسه‌ای در شوشا تأسیس خواهد کرد؛ زیرا شوشا نماد فرهنگ و تاریخ ترک است. وی با اشاره به این گفته فارابی که تفکر، به‌معنی گفت‌وگوی روح با خودش است خاطر نشان کرد که آن روح، روح ترک است و آن تفکر، معمار آینده ترک است (T24 Newspaper, 2021).

این مواضع بیان واقعی از انتظارات جریان‌های راست ملی‌گرا در ترکیه برای پیشبرد ایده‌های هویت‌خواهی قوم‌گرایانه در قفقاز و آسیای مرکزی است. جنگ قره‌باغ و مشارکت ترکیه در آن فرصتی برای طرح دوباره اشتراکات هویتی در قفقاز به شمار می‌رود. در جریان همین مناقشه، مفاهیمی چون یک ملت، دو دولت و یا «برادر بزرگ‌تر» به‌طور گسترده‌ای در ادبیات سیاسی مقام‌ها و رسانه‌های ترکیه به کار رفته است. اکنون ترکیه در تلاش است تا ژئوپلیتیک زبانی و قومی را برای افزایش نفوذ و نقش‌آفرینی در قفقاز و آسیای مرکزی بازتعریف کند.

قدرت منطقه‌ای در اوراسیا

سه دهه پیش از این، تورگوت اوزال در چهارچوب سیاست نقش فعال منطقه‌ای ترکیه از ضرورت پیوند کشورهای ترک‌زبان سخن گفت. یکی از اهداف راهبردی ترکیه در این مناطق، رقابتی ساختارمند با روسیه و ایران بوده است، حوزه‌ای که در آن روسیه به‌علت

^۱. Devlet Bahçeli

^۲. Milliyetçi Hareket Partisi (MHP)

^۳. Ülkü Ocakları

سازمان قومیت‌گرای اولکو اوجاکلاری یکی از شاخه‌های جوانان حزب حرکت ملی‌گرا و نماد آن گروگ خاکستری است.

سلطه چندصدساله و ایران به لحاظ پیشینه تاریخی، فرهنگی و سرزمینی صاحب نفوذ هستند. در دوران اول حاکمیت عدالت و توسعه از گرمای اولیه ترکیه برای ایجاد پیوند ملل ترک کاسته شد. دلایل آن، رقابت ژئوپلیتیک میان روسیه و چین در آسیای مرکزی به عنوان دو همسایه بزرگ این منطقه و همین طور تمرکز ترکیه بر خاورمیانه بود که موجب دوری نسبی این کشورها از ترکیه شد. اهمیت آسیای مرکزی برای ترکیه انکارناپذیر است. دولت آنکارا از ۱۹۹۲، میلیاردها دلار کمک با عنوان حمایت از توسعه «سرزمین‌های اجدادی»^۱ در اختیار کشورهای آسیای مرکزی قرار داده است. ترکیه علاوه بر توجه به پیوندهای قومی، همواره به تجارت و همکاری اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی اولویت داده است. در اجلاس رؤسای جمهوری کشورهای ترک‌زبان در سال ۲۰۰۹ در نخجوان بنیان شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان^۲ گذاشته شد. در این اجلاس، رؤسای جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکیه شرکت داشتند و توافق‌نامه نخجوان را امضا کردند، همچنین بر ارتقای تجارت و سرمایه‌گذاری در بین کشورهای عضو تأکید شد؛ اما در این نشست ترکمنستان و ازبکستان شرکت نکردند (Hoobler, 2020: 146).

یکی از اهداف تشکیل شورای ترک، توسعه نفوذ اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی بوده است. به‌علاوه ترکیه جداگانه با کشورهای ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان «شورای عالی همکاری راهبردی» امضا کرده است. روابط و همکاری ترکیه با ترکمنستان در بخش‌های مختلف تجاری، اقتصادی، پیمانکاری به سرعت در حال گسترش است. بیش از چهار هزار شرکت ترکیه‌ای در کشورهای آسیای مرکزی فعال هستند. حجم تجارت ترکیه با کشورهای این منطقه در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۸.۵ میلیارد دلار بود (T.C Dışişleri Bakanlığı, 2021).

مفاهیمی چون تبدیل ترکیه به قدرت اوراسیایی^۳ در چند دهه اخیر مطرح بوده است. اولین بار مفهوم تبدیل ترکیه به قدرت اوراسیایی در جغرافیایی از دریای آدریاتیک تا دیوار بزرگ چین را در سال ۱۹۹۲ سلیمان دمیرل، نخست‌وزیر وقت بیان کرد. همچنین اسماعیل جم^۴ وزیر امور خارجه ترکیه در اواخر دهه نود میلادی ایده همکاری میان تمدن‌ها یا «جغرافیای تمدنی» را مطرح کرد و داووداوغلو هم این مفاهیم را بسترساز تقویت روابط منطقه‌ای به کار گرفت (Frahm et al., 2018: 10). داووداوغلو در سال ۲۰۱۳ بر نقش ترکیه در ایجاد «نظم منطقه‌ای جدید در بستری جهانی» تأکید کرد و سه منطقه بالکان، قفقاز و

^۱. Ancestral lands

^۲. Turkic Council

^۳. Eurasian Power

^۴. İsmail Cem

خاورمیانه را بر اساس تمدن اسلامی و در چهارچوب چشم‌انداز ژئوپلیتیک به بحث گذاشت. این دیدگاه به‌جای تمرکز بر نوع‌ثانی‌گرایی^۱ مفهوم «ژئوپلیتیک تمدنی» را مورد توجه قرار داد تا نشان دهد که ترکیه از اهمیت ژئوپلیتیک استثنایی برخوردار است (Erşen, 2014: 91). پیشنهاد تشکیل اتحادیه سه کشور قفقاز جنوبی با مشارکت روسیه و ترکیه را سلیمان دمیرل در ۱۹۹۱ ارائه کرد؛ اما این ایده به دلیل روابط بحرانی ترکیه با ارمنستان عملی نشد. در سپتامبر ۲۰۰۸، علی باباجان^۲ وزیر امور خارجه ترکیه در مقاله‌ای در اینترنت‌شنال هرالد تریبون^۳ نوشت: طرح ثبات و همکاری قفقاز نظیر پیشنهاد ترکیه مبنی بر همکاری ۵ کشور راهی برای تسهیل مذاکره و همکاری بین دولت‌های قفقاز است؛ چراکه جنگ میان روسیه و گرجستان نشان داد که قفقاز مستعد شعله‌ور شدن آتش جنگ در هر لحظه‌ای است (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). احمد داووداوغلو هم در کتاب عمق راهبردی به سیاست‌گذاران آنکارا توصیه کرد که جمهوری آذربایجان برای ترکیه در قفقاز جنوبی مهم‌ترین متحد استراتژیک است و از نظر ارتباطات منطقه‌ای، تا زمانی که جمهوری آذربایجان در قفقاز و آلبانی در بالکان ثبات و موقعیت قدرت منطقه‌ای کسب نکنند، افزایش وزن ژئوپلیتیک ترکیه در هر دو منطقه و در داخل حوزه‌های ماورای مرزی، ممکن نخواهد بود (داووداوغلو، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

البته ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای به نقش و جایگاه قدرت‌های بزرگ و رقیب خود در آسیای مرکزی توجه ویژه‌ای دارد. همکاری‌های راهبردی میان آنکارا و مسکو و از جمله هم‌سویی نسبی در بحران قره‌باغ بی‌تأثیر بر افزایش وزن منطقه‌ای ترکیه نبوده است. آنکارا این شکل از عمل‌گرایی سیاسی را در قبال چین هم به آزمون گذاشته است: از یک سو در حمایت از حقوق اقلیت اویغورها^۴ با احتیاط بیشتری عمل می‌کند و حتی اردوغان هنگام بازدید از چین در ۲۰۱۵ از اویغورها خواست تا در جامعه چین ادغام شوند، از سوی دیگر این استراتژی جدید با هدف نفوذ ترکیه در میان اویغورهای سین‌کیانگ^۵، مشارکت دوسویه در طرح‌های اقتصادی و تجاری و پیدا کردن ابتکاری برای پرکردن خلأ منافع ملی و نگرش‌های ایدئولوژیک پان‌اسلامی در رفتار با چین قلمداد می‌شود و شاید بتوان اتخاذ چنین نگرشی را در قالب بخشی از عمل‌گرایی آنکارا توضیح داد (Ćiković, 2021: 19-20).

1. Neo-Ottomanism

2. Ali Babacan

3. International Herald Tribune

4. Uyghur

5. Xingjiang

ترکیه در چشم‌اندازی بلندتر، از خط ارتباطی قومی ترک‌زبانان از آدریاتیک تا دیوار چین، گذرگاه‌های تجاری هم جست‌وجو می‌کند. خط آهن ترکیه به چین که از استانبول آغاز می‌شود راه ابریشمی است که پس از طی ۸ هزار و ۶۹۳ کیلومتر به چین متصل می‌شود. این خط آهن با عبور از تونل زیر دریای مرمره وارد خاک گرجستان می‌شود، از آنجا به خاک جمهوری آذربایجان می‌رسد، از دریای خزر و با کشتی وارد قزاقستان می‌شود و از آنجا به مقصد نهایی در چین امتداد می‌یابد (ایرنا، ۱۳۹۹).

مداخله در منازعه منطقه‌ای و حضور نظامی

حمایت همه‌جانبه ترکیه از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ، وجه تغییر یافته‌ای را از سیاست منطقه‌ای ترکیه در قفقاز به نمایش گذاشت. سیاست خارجی قفقازی ترکیه برخلاف سنت محافظه‌کارانه پیشین، میل به ورود به منازعات منطقه‌ای دارد. مبنای سیاست خارجی سنتی ترکیه در مناطق پیرامونی مطابق اصول تعیین‌شده مصطفی کمال آتاتورک بر حفظ وضع موجود بر پایه شعار «صلح در خانه و صلح در خارج» استوار بود (Günay, 2017: 196). بر اساس همین شعار بود که ترکیه در جنگ اول قره‌باغ در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ مداخله‌ای نکرد. البته در آن دوران، تورگوت اوزال رئیس‌جمهوری وقت ترکیه در چهارچوب سیاست فعال منطقه‌ای، این سنت محافظه‌کارانه را به چالش کشید؛ اما باید گفت که سیاست مداخله‌نکردن ترکیه در منازعات منطقه‌ای به‌طور جدی و کامل پس از ۲۰۱۶ و بر اساس نگرش نوین رجب طیب اردوغان کنار گذاشته شد. مداخله نظامی ترکیه در سوریه، اعزام نیروی به لیبی و مداخله در جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان نمای کاملاً تغییر یافته و درگیرانه‌ای را از سیاست خارجی ترکیه نشان داد. آنکارا نقش مهمی در تشویق باکو به جنگ تمام‌کننده با ارمنستان در ۲۰۲۰ داشت و در چهارچوب راهبرد نوین نظامی، اقدام به همکاری گسترده با جمهوری آذربایجان کرد.

در توافق‌نامه صلح ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان^۱ نامی از ترکیه برای ایفای نقش در روند آتش‌بس برده نشد؛ اما پارلمان ترکیه یک هفته بعد در

۱. توافق‌نامه آتش‌بس میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در ۱۰ نوامبر با میانجیگری روسیه امضا شد. این توافق‌نامه نه ماده دارد که شامل محتوای زیر هستند:

(۱) آتش‌بس کامل در منطقه درگیری قره‌باغ در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ اعلام شد.

(۲) تأکید شد که منطقه آغدم و سرزمین‌های در دست ارمنستان شامل مناطق گازاخ و لاپچین به جمهوری آذربایجان بازگردانده شوند.

۱۷ نوامبر ۲۰۲۰ لایحه اعزام نیرو به جمهوری آذربایجان را تصویب کرد. در این مصوبه بر ایجاد «مرکزی مشترک» در سرزمین‌های آزادشده جمهوری آذربایجان در چهارچوب توافق نامه آتش‌بس تأکید شد (Anadolu Agency, 2020). یک ماه بعد از این مصوبه نیز آنکارا و مسکو درباره نظارت ترکیه بر آتش‌بس در قره‌باغ در داخل خاک جمهوری آذربایجان به توافق رسیدند. بنا به اعلام خلوصی آکار، وزیر دفاع ترکیه «مرکز مشترک نظارت ترکیه و روسیه بر اجرای آتش‌بس در قره‌باغ احداث و افسران ترک و روس در این مرکز بر آتش‌بس و حفظ ثبات در منطقه نظارت دارند.» (خبرگزاری آنا، ۲۰۲۰) این توافق برای حضور نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان مهم تلقی می‌شود. در خلال سال ۲۰۲۱ چند رزمایش میان ترکیه و جمهوری آذربایجان از جمله در منطقه لاجین، نخجوان و دریای خزر برگزار شد و نظامیان ارشد ترکیه نیز بر آن نظارت داشتند.

نکته درخور تأمل، رفتار دوگانه روسیه است. روسیه خود بانی تنظیم و امضای توافق نامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان بود؛ اما پس از آن در مقابل پیشبرد برنامه‌های نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان شامل استقرار نیروی نظامی و برگزاری مداوم رزمایش با جمهوری آذربایجان که واکنش برخی همسایگان این کشور را در پی داشته سکوت معناداری اختیار کرده است. پیش از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ هم مسکو به نقش پشتیبانی، اطلاعاتی و نظامی ترکیه از جمهوری آذربایجان اعتراض نکرد، در حالی که ارمنستان متحد استراتژیک روسیه قلمداد می‌شد. حتی گفته می‌شود که جمهوری آذربایجان و ترکیه با چراغ سبز مسکو وارد جنگ در قره‌باغ شدند. دیدار سپتامبر ۲۰۲۰ سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه با تعدادی از نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان و اعلام جانب‌داری مسکو از بازپس‌گیری پنج ایالت از هفت ایالت قره‌باغ توسط جمهوری آذربایجان برگ برنده‌ای در دست باکو تلقی می‌شد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۹).

۳) در امتداد خط تماس در قره‌باغ و دالان لاجین، گروه صلح‌بان فدراسیون روسیه به تعداد ۱۹۶۰ نفر از نیروهای مسلح، ۹۰ زره‌پوش، ۳۸۰ واحد خودرو و تجهیزات ویژه مستقر می‌شوند. مدت اقامت نیروهای نظامی صلح فدراسیون روسیه ۵ سال با تمدید خودکار برای دوره‌های ۵ ساله بعدی است.

۴) با توافق طرفین، در سه سال آینده، برنامه‌ای برای احداث مسیر جدید ترافیکی در امتداد دالان یا راهروی لاجین (۵ کیلومتر عرض) برای ارتباط بین خانکندی و ارمنستان و تردد شهروندان، وسایل نقلیه و کالاها در هر دو جهت زیر نظر روسیه تعیین گردید.

۵) ارمنستان به‌منظور سازمان‌دهی حرکت بدون مانع شهروندان، حمل‌ونقل در هر دو جهت، بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان دالانی ارتباطی برقرار می‌کند. (TRT Habber, 2020)

احتمالاً افزایش همکاری‌های راهبردی روسیه و ترکیه در حوزه انرژی به خصوص احداث خط لوله‌های جدید گاز و استقرار سامانه موشکی اس ۴۰۰ در ترکیه راه را برای مداخله آشکار آنکارا در جنگ قره‌باغ هموار کرد. البته در ترکیه درباره سیاست روسیه به‌ویژه پایان‌دادن به مناقشه قره‌باغ و چگونگی نقش‌دادن به ترکیه در آن تردیدهایی به وجود آمد. محمدعلی گولر^۱ از روزنامه‌نگاران ترکیه در روزنامه جمهوریّت درباره واکنش‌های داخلی به توافق آتش‌بس جمهوری آذربایجان و ارمنستان نوشت: جناح سیاسی راست‌گرای ترکیه معتقد است که مسکو زمانی وارد عمل شد و دو طرف را به آتش‌بس تشویق کرد که جمهوری آذربایجان در حال پیروزی و پایان‌دادن به اشغال کامل اراضی بود (Cumhuriyet, 2020).

برنامه بلندمدت نظامی ترکیه در حوزه قفقاز و آسیای مرکزی علاوه بر حضور نظامی پایدار در جمهوری آذربایجان تلاش برای ایجاد اتحادیه نظامی میان کشورهای این منطقه به فرماندهی ترکیه است. در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از مناقشه قره‌باغ درباره مفاهیمی چون «ارتش توران» در رسانه‌های ترکیه بحث و تبادل نظر شده است. اگرچه توران به‌لحاظ واژه‌شناسی ریشه فارسی دارد و در گذشته میان ایرانیان متداول بوده؛ اما ممکن است به مفهومی برای بیان خواسته نظامیگری ترکیه در میان کشورهای ترک‌تبار تبدیل شود.

بحث از تشکیل اتحادیه نظامی ترک حدود ده سال پیش در نشست شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان موسوم به شورای ترک مطرح گردید. این شورا در ۲۰۰۹ در نخجوان تشکیل شد. در اولین جلسه مقام‌های نظامی این شورا در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰، از ضرورت ایجاد نیروی نظامی مشترک در منطقه اوراسیا بحث شد. در ژانویه ۲۰۱۳ رؤسای شورای ترک در باکو، سازمان اجرای قانون و وضعیت نظامی اوراسیا^۲ با نام اختصاری تی.ای.کی.ام^۳ با نماد یک اسب و چهار ستاره تشکیل شد. تی.ای.کی.ام، واژه‌ای متشکل از حرف اول نام‌های ترکیه، جمهوری آذربایجان، قرقیزستان و مغولستان به‌عنوان کشورهای مؤسس این تشکل امنیتی و نظامی است. یک سال بعد، مغولستان خارج و قزاقستان به آن افزوده شد. هدف این سازمان مبارزه با تروریسم، درگیری‌های منطقه‌ای، جرایم سازمان‌یافته، قاچاق انسان و مواد مخدر و تهدیدهای احتمالی که اعضا به‌تنهایی از عهده آن برنیايند، اعلام شد (Ozan Özlar, 2015: 134-137).

ترکیه به‌دنبال ایجاد اجماعی میان کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی و قفقاز برای تبدیل تی.ای.کی.ام به سازمانی با ساختار نظامی منسجم و شرح وظایف منطقه‌ای و دفاعی

^۱. Muhammed Ali Güler

^۲. Organization of the Eurasian Law Enforcement Agencies with Military Status

^۳. TAKM

است. پیش‌کشیده‌شدن عناوینی چون ارتش توران یا ناتوی ترکی در رسانه‌ها در این چهارچوب است. از طرف دیگر، آنکارا چشم‌انتظار عملیاتی‌شدن توافق‌نامه صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. ماده‌ نه این توافق‌نامه اهمیت زیادی برای ترکیه دارد و تحقق آن بر روند تحولات آینده منطقه به‌لحاظ ژئوپلیتیک تأثیر خواهد گذاشت. این بند اشاره می‌کند که ارمنستان به‌منظور سازمان‌دهی حرکت بدون مانع شهروندان و حمل‌ونقل در هر دو جهت، بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان دالانی ارتباطی برقرار می‌کند (TRT Habber, 2020). ایجاد این دالان به‌معنای پیوند زمینی ترکیه با مجموع خاک جمهوری آذربایجان و از آنجا به دریای خزر تا آسیای مرکزی است و بر قدرت ژئوپلیتیک ترکیه خواهد افزود.

نتیجه

نتایج جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در تابستان و پاییز ۲۰۲۰ موسوم به جنگ دوم قره‌باغ سبب شد که جمهوری آذربایجان در مرکز توجه تحولات قفقاز جنوبی قرار گیرد. در نتیجه این جنگ، سرنوشت مناطق و شهرهای جمهوری آذربایجان که نزدیک به سی سال در تصرف و کنترل ارمنستان بودند مشخص گردید؛ اما وضعیت حقوقی و سیاسی قره‌باغ بلا تکلیف ماند تا این منطقه همچنان محل منازعه دو همسایه و صحنه‌ای برای رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. آنچه در بررسی جنگ قره‌باغ درخور سنجش و به‌آزمون‌کشیدن است نقش و حمایت همه‌جانبه ترکیه از جمهوری آذربایجان در به‌سرانجام‌رساندن جنگ و تأثیر متقابل او ضاع پس از جنگ قره‌باغ بر موقعیت ترکیه در قفقاز جنوبی است.

در مقام پاسخ به پرسش و فرضیه پژوهش باید گفت که تلاش ترکیه در اتخاذ سیاست تهاجمی در بحران قفقاز جنوبی ناشی از اقتضات در ساختار قدرت محیطی و بین‌المللی بوده است؛ بدان معنا که ترکیه اوضاع سیاسی و نظامی را برای حمایت از جمهوری آذربایجان و مهم‌تر از آن ترغیب این کشور به جنگ با ارمنستان مناسب دید. با توجه به اینکه نظم حاکم نظام بین‌الملل مبتنی بر آنارشی است، فقدان اراده قدرت فائقه مرکزی، ترکیه را در بیشینه‌سازی قدرت در منطقه پیرامونی مجاب ساخته است. بر اساس این فرض می‌توان گفت که یک هدف مهم ترکیه از بیشینه‌سازی قدرت خود در قفقاز جنوبی ایجاد تنگنای استراتژیک برای ارمنستان با توجه به اختلافات و تنش تاریخی با این کشور بوده است. البته این نکته مهم است که روسیه به‌عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای منافع و ملاحظات

سیاسی، امنیتی و اقتصادی بنیادین در قفقاز دارد؛ اما آنکارا با توجه به نوع مناسباتی که در سال‌های اخیر با مسکو پیدا کرده است روسیه را در ورود ترکیه به مناقشه قره‌باغ همراه دید. در پاسخ به اینکه ترکیه چرا و چگونه توانست با حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ سیاست خارجی تهاجمی در پیش بگیرد باید گفت:

اول، موقعیت و نقش جدید منطقه‌ای ترکیه ناشی از برهم‌زدن معادله قدرت در سوریه، تقویت حضور نظامی در شمال عراق و فراتر از آن افزایش حضور نظامی در لیبی این فرضیه را قوت بخشید که آنکارا در چهارچوب برنامه منطقه‌ای خود کاتالیزوری برای ورود باکو به جنگ با ارمنستان بود. دوم، ترکیه رضایت نسبی روسیه را در ورود به مناقشه قره‌باغ کسب کرد و از هرگونه اقدام بازدارنده از سوی اروپا، آمریکا و اعضای گروه مینسک مطمئن بود؛ زیرا فقدان نهاد یا قدرت مرکزی در مدت سی سال مانع از حل مسئله قره‌باغ شده بود.

سوم، در داخل ارمنستان اوضاع سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی دولت نیکولا پاشینیان برای مواجهه با جنگی تمام‌عیار از سوی جمهوری آذربایجان و برخوردار از حمایت همه‌جانبه ترکیه مهیا نبود. چهارم، عامل ژئوپلیتیک قفقاز، ترکیه را ناگزیر از اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی در این حوزه کرد؛ زیرا موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان به‌عنوان حلقه ارتباطی ترکیه با آسیای مرکزی و مجموعه کشورهای ترک‌زبان به‌عنوان عمق راهبردی ترکیه بسیار مهم و کلیدی بوده است. اما نتایج به‌دست‌آمده در جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان چگونه هم‌راستا با افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه و پیشبرد سیاست خارجی تهاجمی این کشور در مناطق پیرامونی تعبیر می‌شود؟

ابزارهای اجرایی واقع‌گرایی تهاجمی که جان مرشایمر از آن سخن می‌گوید چندوجهی است. وجه تعیین‌کننده آن رویکرد نظامی‌گرانه‌ای است که یک دولت برای بقا و مقابله با رقیب اتخاذ می‌کند و جنبه دیگر اوضاع محیطی است که دولت‌ها را به درپیش‌گرفتن سیاست نظامی‌گری سوق می‌دهد. معمای امنیتی که ترکیه در مناطق پیرامونی ترسیم کرده است تنها معطوف به رفع تهدیدها علیه امنیت ملی این کشور از منظری تدافعی نیست، بلکه ادامه وضعیتی درگیرانه برای به‌دست‌آوردن سهم مؤثر در تصمیم‌سازی‌های آینده است. آنچه آنکارا را به ائتلاف با جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان کشاند افزایش قدرت نسبی ترکیه از طریق تغییر وضعیت در مناقشه دیرینه قره‌باغ بود. در کنار آن، سیاست تقویت پیوندها با جمهوری آذربایجان مبتنی بر عوامل جغرافیایی، دستیابی بیشتر به منابع انرژی، تقویت عنصر هویت‌طلبی قومی و توان تأثیرگذاری و چانه‌زنی در محیط بین‌المللی موردنظر آنکارا بوده است.

بر این اساس نقش فعال نظامی ترکیه در مناقشه قره‌باغ با اهداف متعددی انجام گرفته است: عمق‌بخشیدن به همکاری راهبردی با جمهوری آذربایجان و تعبیر واقعی ایده یک ملت، دو دولت به‌منظور تقویت ایدئولوژی قوم‌گرایی در قفقاز و آسیای مرکزی است؛ تضعیف امنیت و ایزوله بیشتر ارمنستان به‌عنوان کشوری که بالاترین چالش تاریخی و قومی با ترکیه دارد؛ گسترش حریم امنیتی در اوراسیا با تقویت متحد نزدیک خود، جمهوری آذربایجان و با هدف تلاش برای ایجاد ترتیبات جدید امنیتی - نظامی در میان کشورهای ترک‌زبان است؛ راهبرد ترکیه تبدیل‌شدن به قدرت اقتصادی اوراسیایی و دالان اقتصادی شرق است؛ زیرا همسایگی ترکیه با منابع مهم انرژی جهان، موقعیتی ژئواستراتژیک به این کشور به‌عنوان قطب عمده عرضه و تقاضای انرژی برای اروپا داده است. موقعیتی که با توجه به سیاست‌های اتحادیه اروپا مبنی بر تنوع‌بخشی به بازارهای تأمین انرژی تقویت شده است؛ تحولات پس از جنگ قره‌باغ تغییری ژئوپلیتیک محسوب می‌گردد و ترکیه به‌دنبال ارتقای وزن سیاسی و نظامی جمهوری آذربایجان به‌منظور پیشبرد سیاست رقابت منطقه‌ای آنکارا در دستیابی به کانال ارتباط زمینی با حوزه جغرافیایی کشورهای ترک‌تبار است. تلاش‌های ترکیه برای گشایش دالان ارتباطی بین نخجوان با خاک اصلی جمهوری آذربایجان از طریق ارمنستان دامن‌دار خواهد بود. آنچه در تابستان ۲۰۲۱ در نواحی مرزی شمال غرب ایران با جمهوری آذربایجان به وقوع پیوست انعکاسی از اجرای این سیاست است. وضع مطلوب برای جمهوری آذربایجان و ترکیه، برتری ژئوپلیتیک از طریق دستیابی به فضای مناسب سرزمینی در ایجاد دالان موسوم به زنگزور است حتی اگر به تنگناهای جغرافیایی برای ایران بینجامد؛ بنابراین انجام رزمایش‌های مکرر میان ترکیه و جمهوری آذربایجان و واردکردن کشوری ثالث چون پاکستان به این رزمایش‌ها برنامه‌ای هدفمند تلقی می‌گردد و ممکن است در آینده به ورود کشورهای حوزه نزدیک در آسیای مرکزی به چنین رزمایش و یا راهبرد نظامی بینجامد. با توجه به چنین تهدیدهایی است که ایران تحرکات منطقه‌ای با هدف هرگونه تغییر در مرزهای بین‌المللی را پذیرفتنی نمی‌داند و یک پیام رزمایش فاتحان خیبر در شمال غربی ایران پاسخ به تهدیدهای بالقوه در این باره بود. فرجام سخن آنکه سیاست و برنامه ترکیه در تبدیل‌شدن به کانونی برای تأمین و انتقال انرژی جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی به اروپا و به موازات آن احیای راه‌های مواصلاتی از نخجوان تا جمهوری آذربایجان و دریای خزر و امتداد آن تا آسیای مرکزی و چین، بخش مهمی از استراتژی بلندپروازانه ترکیه برای تبدیل‌شدن به قدرت دارای نفوذ منطقه‌ای است.

منابع و مآخذ

فارسی

- ایرنا، ۱۳۹۹، «خط آهن ترکیه با چین، آغاز رقابت‌های اقتصادی جدید در منطقه»، ۲۶ آذر ۱۳۹۹.
- بیات، عیوض، ۱۳۹۰، *سیاست خارجی روسیه و ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ*، تهران: اندیشه نو.
- بزرگمهری، مجید و سید مهدی طباطبایی، ۱۳۹۶، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵»، *فصلنامه سیاست خارجی*، س ۳۱، ش ۲، ص ۱۵۰-۱۰۹.
- خبرگزاری آنا، ۲۰۲۰، «حجم مبادلات تجاری میان ترکیه و آذربایجان به ۱۵ میلیارد دلار افزایش می‌یابد»، بازبینی شده در: <https://www.aa.com.tr/fa>, 25.02.2020.
- داوود اوغلو، احمد، ۱۳۹۱، *عمق راهبردی، موقعیت ترکیه در صحنه بین‌الملل*، ترجمه: محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: امیرکبیر.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۲، «بررسی سه رهیافت در افزایش اقتدار بین‌المللی»، بازبینی شده در: <https://farsi.khamenei.ir/> 23765.
- عطایی، فرهاد و دیگران، ۱۳۹۱، «سیاست خارجی دولت ترکیه: عدالت و توسعه در منطقه قفقاز جنوبی»، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۱، ش ۶۳، ص ۶۶-۳۷.
- گلکاریان، قدیر، ۱۳۹۹، «اهداف ترکیه از نقش آفرینی در مناقشه قره‌باغ»، *دیپلماسی ایرانی*، ۱۱ آذر، کد: ۱۹۹۷۷۶۸.
- لاوند، جیکوب، ۱۳۸۳، *پان‌ترکیسم، یک قرن در تکاپوی الحاق‌گرایی*، ترجمه: حمید احمدی، تهران: نشر نی.
- مرشایمر، جان، ۱۳۹۳، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ج ۴، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: وزارت امور خارجه.
- مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۶، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.

لاتین

- A. A., 2020, "Azerbaycan Tezkeresi Resmi Gazete'de Yayımlandı", Reviewed at: <https://www.aa.com.tr/tr/> 18.11.2020/2047361.
- Bedelova, Aysel, 2016, *Ermenistan- Azerbaycan Çatışması ve Uluslararası Örgütler Azerbaycan Cumhuriyeti EĞİTİM Bakanlığı Azerbycan Devlet İktisat Üniversitesi, TÜRK Dünyası İşletme Fakültesi Uluslararası İlliskiler BÖLÜMÜ, Yüksek Lisans Bitirme Tezi, Baku.*
- Çeviköz, Alnal, 2016, 'Turkey in a Reconnecting Eurasia', *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, Stable URL: <http://www.jstor.com/stable/resrep23332.7>.
- Cumhuriyet, 2020, 'Erdoğan: Biz Barışın Güvercini Olmak İstiyoruz', Reviewed at: <https://www.cumhuriyet.com.tr/haber-1797713>.

Hrvoje, Ćiković, 2021, “China and Turkey: Escaping the Trap of the Uyghur Issue”, Political Reflection e-ISSN: 2042-888X, Vol. 7, No. 1, January February March pp.19-21.

Dailysabah, 2020, “Turkey-Azerbaijan-Military-drills-intimidate-Armenia-president-Aliyev-says” Reviewed at: <https://www.dailysabah.com/politics/diplomacy/turkey-azerbaijan-military-drills-intimidate-armenia-president-aliyev-says> Daily. Sabah. 2020-09-20.

Emre, Erşen, 2014, “Geopolitical Codes in Davutoğlu’s Views toward the Middle East”, *Department of Political Science and International Relations*, Marmara University Insight Turkey, Vol. 16, No. 1, pp. 85-101

Frahm, Ole and Katharina Hoffmann, Dirk Lehmkuhl, 2018, “Turkey and the Eastern Partnership: Turkey’s Foreign Policy Towards its Post-Soviet Black Sea Neighbourhood”, EU-STRAT Working Paper No. 13, December, This publication has been funded by the European Union under the Horizon 2020 Research and Innovation Programme.

Gafarlı, Turan, 2020, “One Nation, Two States: Turkey’s Stance on the Recent Escalation between Armenia and Azerbaijan”, Publisher Trt World Research Center İSTANBUL / TURKEY, September .

Gorkem Ozan Özalp Yuksek Lgsans, 2015, Avrasya Askeri Sstatulu Kolluk Kuvvetlerg Tegkglati(TAKM), T.C. Necmettgn Erbakan Üngversgtesg Sosyal Bglgmmler Nstgtusu Targh Anabglgm Dalitargh Bglgm Dali, Konya Karabakh-Azerbaijan-Armenia-Middle-East-flare-up-Iran.

Hoobler, James, 2020, “Turkey’s Relations with the Caucasus and Central Asia: Unrealized Ambitions”, Turkey’s Nationalist Course Implications for the U.S.-Turkish Strategic Partnership and the U.S. Army, Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif.© Copyright 2020 RAND Corporation R® is a registered trademark.

Makili-Aliyev, Kamal, 2013, ‘Azerbaijan’s Foreign Policy: Between East and West’, IAI Working Papers 13 ,05 – January.

Mearsheimer, John J., 2006, Structural Realism, 05-IRT-Chap04.qxd 31/07/2006.

Mearsheimer, John J., 2009, “Reckless States and Realism”, *International Relations*, Vol. 23 issue. 2, pp.242- 243.

Tang, Shiping, 2010, *A Theory of Security Strategy for Our Time Defensive Realism*, Published by Palgrave Macmillan® in the United States—a division of St. Martin’s Press LLC, New York, NY 10010.

T.C dışişleri bakanlığı, 2021, “Orta Asya Ülkeleri İle İlişkiler”, at: <http://www.mfa.gov>.

Toft, Peter & Mearsheimer, John J., 2005, ‘An Offensive Realist between Geopolitics and Power’, *Journal of International Relations and Development*, PP.381–408.

TRT Habber, 2020, “Turkiye Azerbaycan is Birliqi Ihracat Rakamlarina da Yansidi”, Reviewed at: <https://www.trthaber.com/haber/gundem/turkiye-ile-azerbaycan-is-birliqi-ihracat-rakamlarina-da-yansidi-522912.html>.

Guller, Mehmet Ali, Cumhuriyet Gazetesi, 2020, Daglik-Karabagin-uc-Kazanani-uc-kaybedeni”, <https://www.cumhuriyet.com.tr> - 12 Kasım -1790354.

TRT Haber, 2020, “Azerbaycan’ın Karabağ Zaferi: İşte nlaşmanın maddeleri”, Reviewed at: <https://www.trthaber.com/> Haber Giriş: 10 Kasım Salı 14:37.

t24, 2021, “Bahceli-Erdogan-in-musaadeleri-olursa-ulku-ocaklari-egitim-ve-kultur-vakfi-tarafindan-susa-da-dokuz-derslik-bir-ilkokulun-yapilmasi-hedefimizdir”, 926940. 16 Ocak 2021 13:37. t24.com.tr.

Turan, Kürşad, 2012, “Changes in Turkish Foreign Policy: A Shift or a Passing Interest?”, *Akademik Bakış* Cilt 6 Sayı 11 Kış.

Yesevi, Çağla Gul, 2015, ‘Turkey-Azerbaijan Energy Relations: A Political and Economic Analysis’, *International Journal of Energy Economics and Policy*, Vol. 5, No. 1, pp.27-44.

Yılmaz, Gör Samet, Oğuzhan Özdemir, 2017, ‘A More Active Foreign Policy: Domestic Factors of Turkey’s Middle East Policy During Second Tenure of The Justice and Development Party’, *Cilt/Vol. 15, Issue: 3, September*, pp.1-24.